«جانی دپ» به شبکه نمایش می‌آید

شبکه نمایش ۷ فیلم سینمایی با بازی جانی دپ را مرور می‌کند.
به گزارش جام‌جم، این هفته فیلم‌های سینمایی ایرانی کاشی ۳۱۳، دزدی که برای شام آمد، جایی برای اشتباه نیست، گره کور، چراغ‌های ناتمام، کوک نغمه گمشده و زندانی‌ها به ترتیب از شنبه ۲۴ تا جمعه ۳۰ خرداد در ساعت ۱۳ پخش خواهد شد.
در آخرین هفته پخش مجموعه فیلم‌های سینمایی دنباله‌دار، از شنبه تا جمعه ساعت ۱۹ به ترتیب فیلم‌های پیتربل ۲، قهرمانی پشت نقاب ۱ و ۲، اجلاس ۱ و ۲ و بازگشت به آینده ۱ و ۲ روی آنتن می‌رود.



این هفته شبکه نمایش به مرور آثار جانی دپ می‌پردازد. علاقه‌مندان به بازی این بازیگر می‌توانند به ترتیب فیلم‌های تفنگدار تنها، گردشگر، چارلی و کارخانه شکلات‌سازی، دشمنان ملت، دنی براسکو، در جست‌وجوی ناکجاآباد و شهر دروغ‌ها را در ساعت ۲۱ شنبه ۲۴ تا جمعه ۳۰ خرداد تماشا کنند.

گفت‌وگو با صفر کشکولی، ورزشکاری که او را با بازی در نقش‌های منفی می‌شناسیم

دوست داشتم نقش با مو بازی کنم



زینب علیپور طهرانی
رسانه

چهره‌اش یادآور سریال‌ها و فیلم‌های دهه ۶۰ است؛ با همان انرژی و انگیزه برای کار. ۷۵ سال دارد، اما به گفته خودش هنوز هم مثل سال‌های دور جوانی از ورزش کردن غافل نشده و با این‌که چند ماهی است در قرنطینه اجباری به سر می‌برد، اما در خانه ورزش می‌کند. بسیار مهربان و دل نازک است و وقتی از ساموئل خاچیکیان یاد می‌کند، چشمانش پر از اشک می‌شود. اتفاقی که پیش از مصاحبه فکرش را هم نمی‌کردیم.

مسؤولان فکری به حال پیشکسوت‌ها کنند

چند ماهی است به خاطر کرونا در خانه زندانی شده و بیکارم. البته این اواخر سریال «پس از آزادی» را با آقای محمدعلی باشه آهنگر کار کردم. اما سال‌هاست شرایط برای بیشتر بازیگران قدیمی سخت شده و بیکار و خانه‌نشین شده‌اند.
بچه‌هایی که جوانی و عمرشان را برای سینما گذاشتند و به جامعه هنری ما خدمت کردند، حتی نمی‌توانند از پس اجاره خانه‌شان بربیایند. با این حال نمی‌دانم چرا دولت هیچ فکری به حال بچه‌های قدیمی نمی‌کند که شغلی غیر از بازیگری ندارند. مسؤولان محترم باید فکری به حال آنها کنند. من هیچ‌وقت از کسی طلبکار نبودم. درباره فرد به خصوصی هم حرف نمی‌زنم. اما نمی‌دانم چرا وقتی ما با یک کارگردان در یک فیلم کار می‌کنیم، دیگر سراغی از ما نمی‌گیرد و حتی تلفن ما را هم پاسخ نمی‌دهد.

روزگار پس از شهرت

مردم ما همیشه مهربان و هنردوست بوده و هستند. ما بدون خدا و مردم هیچ چیزی نیستیم. من به‌شخصه هر چیزی که دارم، از لطف خدا و مردم دارم. حتی وقتی کلاه و عینک می‌زنم هم مرا می‌شناسند و به من لطف و محبت دارند. مثل امروز که به جام‌جم آمدم از آن طرف خیابان تا دفتر روزنامه مدام برایم بوق می‌زدند و ابراز لطف می‌کردند. پس مردم ما را فراموش نکرده و همیشه به ما محبت می‌کنند، اما خب بعضی از دوستان به فکر بازیگران قدیمی نیستند و فراموش‌مان کرده‌اند. من ۷۵ سال دارم، اما هنوز فیزیک آماده‌ای دارم و می‌توانم مثل قبل بازی کنم؛ چون هر روز ورزش می‌کنم و خودم را خوب نگه‌داشتم.
من در قسمت آخر سریال «لیسانسه‌ها» زندگی خودم را مقابل دوربین گفتم. من با همه کارگردان‌های ایران کار کردم و خوشحالم که با بهترین فیلمبردارهای ایران هم کار کرده‌ام. خوشحالم در مدت ۵۶ سال که در سینما و تلویزیون زحمت کشیدم، خودم را گم نکردم. اصلا نمی‌توانم خاطرات خوبی را که با کارگردان‌های بزرگی مثل آقای داریوش مودبیان داشتم، فراموش کنم. من همان صفر کشکولی هستم؛ بچه ناف آبادان که بدانند من هنوز آبادان را فراموش نکرده‌ام.
با این‌که بیشتر از ۵۰ سال است در تهران زندگی می‌کنم، هنوز هم آبادان برای ما آبادانی‌ها برزیل است.

اشک برای فراموش‌شده‌ها

همان‌طور که گفتم من با کارگردان‌های بزرگی کار کردم و خاطره دارم؛ مثل آقای حسن فتحی که در سریال «شهرزاد» با هم کار کردیم. می‌گفت اجازه بدهید آقای کشکولی هر دیالوگی را که می‌خواهد، بگوید. چون به من اعتماد داشت. من هم وقتی با آقای نصیریان کار کردم، دیالوگ‌هایی گفتم که آقای فتحی خوشش آمد. من در آن کار با آقای پورعرب همکاری کردم که سال‌ها بازیگر بزرگی بود و هنوز هم مردم دوستش دارند.
وقتی از این بچه‌ها یاد می‌کنم، اشک به چشمانم می‌آید چون اینها بهترین‌های سینما بودند و فراموش شده‌اند. یادم می‌آید سریال «هشدارهای پلیس» را که بازی می‌کردم، چقدر مخاطب داشت یا قبل از این سریال «آینه عبرت»، جنگ هفته را با آقای علی اصغر میرزایی کار می‌کردم که هر هفته پخش می‌شد.
من اولین کسی بودم که بعد از انقلاب سرم را با تیغ زدم و این استایل را تا الان حفظ کرده‌ام؛ چون آن موقع از من می‌خواستند و با این تیپ شناخته شدم. البته خیلی دوست داشتم یک بار با مو بازی کنم.

از بدلکاری سر صحنه آسیب دیدم

خاطرات بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌هایی که بازی کردم، دارم. یادم هست سر سریال «چراغ‌های خاموش» مهدی سلوکی باید با ماشین با من تصادف می‌کرد و من پرت می‌شدم روی زمین که به همین خاطر مهره‌های کمرم آسیب دید و هنوز هم نمی‌توانم خوب راه بروم؛ چون آن موقع خودمان این صحنه‌ها را بازی می‌کردیم و بدلکار نداشتیم.
همان موقع مهدی سلوکی باید به‌شدت با من برخورد می‌کرد، اما می‌ترسید به من آسیب وارد کند. تا این‌که آقای بلوچی گفت ماکسی را انتخاب کردیم که کارش را بلد است و از آقای سلوکی خواست با شدت با من تصادف کند. چند سال است تیم‌های بدلکاری تشکیل شده‌اند و با گروه های فیلمبرداری کار می کنند. اتفاقا با ارشا اقدسی سال‌ها پیش که تازه وارد این کار شده بود، سر یک کار بودیم که هر چقدر تلاش کرد نتوانست یک وانت را چپ کند. چون آن موقع تجربه‌اش کم بود و حالا یکی از باتجربه‌های این حرفه است. بدلکاری خیلی کار سختی است. البته بدلکاری هم حساب و کتاب و تخصص خودش را دارد؛ چون در غیر این صورت با هر اتفاقی، بدلکار آسیب می‌بیند.

پایان فیلم همان مدال طلای بازیگر است

فیلم‌های خوبی در سینما ساخته می‌شود. اما مثل فیلم‌هایی که در دوران ما ساخته می‌شد، پایان خوبی ندارند و به دل نمی‌نشیند و من را به عنوان تماشاگر راضی نمی‌کند. اما در آن سال‌هایی که ما فیلم بازی می‌کردیم، آدم‌های بد در پایان فیلم به نتیجه اعمال خود می‌رسیدند و آدم‌های مثبت عاقبت‌بخیر می‌شدند. اما من به عنوان یک مخاطب وقتی سریال‌ها و فیلم‌ها را می‌بینم، از پایان داستان راضی نیستم. ولی اگر فیلم‌ها و سریال‌های قدیمی را ببینید، پایان خوبی داشتند و مردم هم راضی بودند. مثلا پایان داستان قهرمان عروسی می‌کرد و همه چیز ختم بخیر می‌شد. اما الان قهرمان فیلم را در پایان می‌کشند! سینما باید پایان خوبی داشته باشد و مردم راضی از سالن بیرون بروند. مثال می‌زنم؛ یک قهرمان ورزشی به قصد برنده شدن و گرفتن مدال طلا به المپیک می‌رود. پایان فیلم هم مثل همان مدال طلا برای بازیگر است. بازیگر برای نقش زحمت کشیده تا پایان فیلم مدال طلایش را بگیرد.

نقش مثبت به من نمی‌دهند

من از سالی که وارد عرصه هنر شدم، فقط یک بار فرصت بازی در نقش مثبت را پیدا کردم، آن هم سریال «چراغ‌های خاموش» به کارگردانی کاظم بلوچی بود که من نقش مصیب، پدر باران را بازی می‌کردم و دیالوگ‌های آن سریال را خیلی دوست داشتم. اما همیشه به من نقش منفی پیشنهاد می‌شد. چه آن زمان که جوان بودم و چه حالا که پیرمرد شدم. گاهی وقت‌ها که برای یک کار به دفتر سینمایی می‌روم، خواهش می‌کنم نقش مثبت مثل نقش یک رفتگر را به من پیشنهاد بدهند تا از این نقش‌های کلیشه‌ای خارج شوم، اما همیشه من را برای نقش منفی انتخاب می‌کنند.

طناب بزنید و پیاده روی کنید

سر یکی از کارها با کامبیز دیرباز آشنا شدم که خیلی جوان باشخصیتی است و به پیشکسوت‌ها هم احترام می‌گذارد. سر آن کار به او گفتم اگر روزی دو ساعت پیاده روی کنی و طناب بزنی و شب‌ها برنج نخوری هیچ وقت چاق نمی‌شوی. معمولا این توصیه را به بازیگران جوان‌تر دارم که اگر روزی ۲۰ دقیقه ورزش هوازی کنید، هیچ وقت چاق نمی‌شوید. خودم هم مدتی در قرنطینه بودم و فقط در خانه ورزش می‌کردم. اما جزو برنامه‌هایم هست که شب‌ها در پارک ورزش کنم و همین اضافه وزنی را که در دوران قرنطینه پیدا کردم، از بین ببرم. چون دوست دارم همیشه استایل و سلامتم را حفظ کنم.



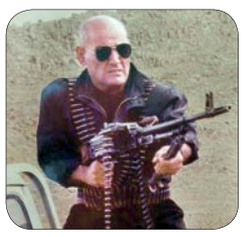
آلفرد هیچکاک ایران

من با کارگردان‌های بزرگی کار کردم؛ مثل آقای داریوش مهرجویی یا استاد ساموئل خاچیکیان که افتخار سینمای ایران هستند. من از دهه ۴۰ با آقای خاچیکیان همکاری کردم و وارد سینما شدم (بغض می‌کند). من به پاس احترام ایشان هر وقت یادشان می‌افتم، اشک در چشمانم حلقه می‌زند. چون من هیچ‌وقت اساتیدم را فراموش نمی‌کنم. به نظر من استاد خاچیکیان، آلفرد هیچکاک ایران بود. روحشان شاد. وقتی مرا برای بازی در فیلم «بی‌عشق هرگز» انتخاب کرد، دو تا از انگشتانش را مقابل چشمانش گرفت و گفت این دوربین من است و به آقای شریفی گفت «خود جنسه» و من را انتخاب کرد. در تلویزیون هم هر نقشی آقای محسن شامحمدی در سریال‌هایش به من داد، بازی می‌کردم. حتی در سریال «تصمیم نهایی» آقای داریوش فرهنگ من نقش یک نگهبان را بازی کردم.

رامبد جوان از من عذرخواهی کرد

من استاد ورزش هستم و در یکی از باشگاه‌هایی که زیر نظر شهرداری است، کار می‌کنم. من اولین قهرمان پرورش اندام آسیا بودم و تا به امروز هم به دارو در این کار اعتقادی نداشته‌ام. الان هم با بچه‌ها بدون دارو و مکمل کار می‌کنم. حتی در «خندوانه» هم این موضوع را گفتم. رامبد جوان وقتی من را دعوت کرد، سر همان ماجرا از من مقابل دوربین که میلیون‌ها نفر این برنامه را تماشا می‌کردند، عذرخواهی کرد. به نظر من خیلی شهامت داشت و نشانه فرهنگ و شخصیت اوست که به یک پیشکسوت سینما احترام گذاشت. جوان با این کارش به همه پیشکسوت‌ها احترام گذاشت. من او را یک قهرمان می‌دانم. چون عذرخواهی مقابل میلیون‌ها نفر شهامت می‌خواهد.

ما بازیگران نترسی بودیم



من همه فیلم‌ها و سریال‌هایی را که در این سال‌ها بازی کردم، برای صحنه‌های بدلکاری از بدلکار استفاده نکردم. اما بعضی از بازیگران جوان این روزها برای هر صحنه‌ای از بدلکار استفاده می‌کنند. به نظر من بازیگر باید خودش همه کاره باشد، اما هم دوره‌ای‌های من بچه‌های نترسی بودند. ما از ارتفاع شش متری به پایین می‌پریدیم؛ بدون این‌که چیزی زیر پای ما بگذارند. مچ پایمان درمی‌رفت یا می‌شکست و به هر حال آسیب می‌دیدیم. با این حال در کار بعدی هم اگر می‌خواستند، می‌پریدیم.
جالب‌تر این‌که هنوز آن کار تمام نشده بود قرارداد کاری بعدی را هم با ما می‌بستند. من خیلی فیلم و سریال پشت سر هم بازی کردم که قراردادش را سر کار قبلی بسته بودم، اما از دهه ۸۰ به بعد وقتی یک فیلم بازی می‌کردم، دیگر سراغ من نمی‌آمدند. نمی‌دانم به خاطر این است که سنم بالا رفته یا این‌که مدل‌ها جوری نیست که به من و بچه‌های قدیمی پیشنهاد بازی بدهند. یادم می‌آید در اوایل دورانی که آقای بهرنگ توفیقی کارگردان شده بود، من در یک کار عروسکی با ایشان همکاری کردم، اما بعد از آن دیگر در هیچ کاری مرا دعوت نکرد. به سینما خیلی انتقاد دارم. من با کارگردان‌های خوبی کار کردم که به من عامو صفر می‌گفتند، اما الان جواب تلفن مرا هم نمی‌دهند! شاید نقش مناسب من در فیلم‌هایشان نیست؛ نمی‌دانم.

تیراندازی با گلوله واقعی

یادم می‌آید در فیلم «سرحد» ضربه مغزی شدم. اتفاقا در همان فیلم ما با گلوله‌های واقعی شلیک می‌کردیم. چون تیرهای مشقی با آن تیربار جور در نمی‌آمد و برای همین از تیرهای واقعی استفاده کردیم. پشت لندکروز در حال حرکت، تیراندازی خیلی سخت بود که یادم می‌آید سرهنگ کاوه با بلندگو اعلام می‌کرد ما فیلمبرداری می‌کنیم و درگیری وجود ندارد. چون ممکن بود قاچاقچیان فکر کنند درگیری است و به ما تیراندازی کنند. ما فیلمبردارهای شجاعی هم داشتیم که کمتر از آنها یاد کردیم. در همان فیلم به خاطر این‌که گلوله‌ها واقعی بود، امکان داشت فیلمبردار آسیب ببیند. اما بدون توجه به تیراندازی کار خودش را می‌کرد. من فکر می‌کنم باید از این دوستان یاد کرد. فقط بازیگرها نیستند که ممکن است سر صحنه صدمه ببینند. حتی خبرنگاری هم که برای گزارش آمده ممکن است صدمه ببیند. ما بازیگرها نباید فقط از سختی کار خودمان بگوییم.

خبر

نشست مدیر شبکه جام‌جم با صاحب‌نظران برگزار شد

پل میان ایرانیان خارج از کشور با میهن‌شان



نشست مدیر شبکه جهانی جام‌جم با صاحب‌نظران و استادان حوزه رسانه و دیپلماسی عمومی برگزار شد.
به گزارش جام‌جم، حسن ملکی، مدیر این شبکه، برخورداری ایرانیان خارج از کشور از مدارج علمی و فرهنگی بالا و دلبستگی شدید آنها به وطن را از جمله فرصت‌هایی دانست که برای تعامل این هموطنان با کشور وجود دارد.
مدیر شبکه جهانی جام‌جم، برقراری این تعامل دو سویه را منوط به وجود اعتماد و ایجاد بسترهای قانونی و حمایتی از سوی دولت، مجلس و قوه قضاییه دانست و گفت: نباید به ایرانیان خارج از کشور نگاه ابزاری داشت، بلکه آنها فرصتی برای گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی در سراسر جهان هستند.
ملکی، تعدد و تکثر دستگاه‌های متولی ایرانیان خارج از کشور و فقدان اطلاعات دقیق از تعداد، توانمندی‌ها و پراکندگی ایرانیان خارج ازکشور در جهان را از جمله موانع بهره‌گیری از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور در عرصه دیپلماسی عمومی دانست و افزود: باید فرصت‌ها را مغتنم دانست، نسل سوم و چهارم ایرانیان خارج از کشور به‌شکلی نگران‌کننده از هویت و فرهنگ ایرانی-اسلامی فاصله گرفته و حتی زبان فارسی را یاد ندارند.
این در حالی است که غرب با تمام ابزار رسانه‌ای و ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی خود علیه ایران، فرهنگ، تمدن و باورهای ملی و مذهبی ما را مورد سم پاشی و تبلیغات غیر واقعی قرار داده‌است. وی از استادان حاضر در جلسه خواست در مورد چگونگی بهره گیری مناسب از ظرفیت ایرانیان خارج ازکشور در عرصه دیپلماسی عمومی و نقش شبکه جهانی جام جم در این زمینه اظهار نظر کنند.
در ادامه دکتر مجید تفرشی، استاد تاریخ و پژوهشگر مقیم لندن در ارتباط تصویری با جلسه، ضمن اشاره به اهمیت شبکه جهانی جام جم برای ایرانیان خارج از کشور و اظهار تاسف از کاهش کانال‌های آن طی چند سال اخیر، گفت: ایرانیان خارج از کشور اغلب علاقه دارند ارتباطی مستمر با کشورشان و شبکه جام جم داشته باشند؛ بنابراین می‌توانید با تولید برنامه‌های جذاب و متفاوت با تولیدات شبکه‌های داخلی، آنها را به مخاطبان پایدار خود تبدیل کنید. وی گفت: توجه به جایگاه و شأن ایرانیان خارج از کشور در برنامه‌ها به‌ویژه تولیدات نمایشی، شبکه‌سازی‌های مجازی برای برقراری تعامل با ایرانیان مقیم خارج، استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور برای تولید برنامه و بهره گیری از استادان و صاحب‌نظران ایرانی مقیم خارج در آنتن شبکه می‌تواند به بالا بردن میزان مخاطب در آن کشورها کمک کند.
دکتر فواد ایزدی، استاد دانشگاه تهران نیز که سال‌ها در آمریکا سکونت داشته ضمن انتقاد از کم توجهی دولت‌ها به وضعیت ایرانیان خارج از کشور، گفت: باید از هنرمندان، استادان دانشگاهی خارج از کشور و ظرفیت‌های آنان برای بازسازی اعتماد بهره گرفت و همزمان با آن شبکه‌های اجتماعی گوناگون نظیر اینستاگرام، تلگرام، واتساب، توییتر و ... را برای برقراری تعامل با مخاطبان مورد استفاده قرار داد.
دکتر ابراهیم متقی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز در این نشست تاکید کرد: باید به جای نگاه ملی، یک نگاه تمدنی به مخاطبان شبکه جهانی جام جم داشت، به این معنی که برای همه فارسی زبانان ساکن در کشورهای مختلف برنامه‌های مناسب تولید کرد و نمادهای مشترک این تمدن کهن را به نمایش گذاشت.
جلال زاده، نماینده مجلس شورای اسلامی ضمن انتقاد از ضعف در حوزه سیاستگذاری برای ایرانیان خارج از کشور، بر ضرورت اتخاذ یک سیاست واحد در این زمینه تاکید کرد.

> چند ماهی است به خاطر کرونا در خانه زندانی شده و بیکارم. البته این اواخر سریال «پس از آزادی» را با آقای محمدعلی باشه آهنگر کار کردم. اما سال‌هاست شرایط برای بیشتر بازیگران قدیمی سخت شده و بیکار و خانه‌نشین شده‌اند